

## اهداف، عوامل و نهادهای مؤثر تعلیم و تربیت از دیدگاه رهبر معظم انقلاب امام خامنه‌ای علیه السلام

□ محمدلطیف مطهری\*

### چکیده

تعلیم و تربیت، رسالت‌های اصلی انبیاء علیهم السلام است، و این خود نشان دهنده جایگاه مهم و غیر قابل انکار نهاد تعلیم و تربیت در سعادت و پیشرفت هر جامعه به سمت آرمان‌های خود است. انسان تا در میدان تعلیم و تربیت گام ننهد، توانایی‌هایش از مرحله نهان و نهفته به مرحله فعلیت و شکوفایی نمی‌رسد و از سیر حرکت تکاملی محروم می‌ماند. از این رو، باید به صورت دقیق و حساب شده برای تعلیم و تربیت جامعه برنامه ریزی کرد؛ به گونه‌ای که جنبه آلی و ابزاری بودن تعلیم برای تزکیه و تربیت لحاظ گردد و همه استعداد‌های جسمی، روحی، عاطفی و عقلی انسان‌ها به صورت همسان و مناسب پرورش داده شود. مقاله حاضر با هدف بررسی اهداف، عوامل و نهادهای مؤثر تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای علیه السلام تدوین شده است و روش پژوهش توصیفی و تحلیلی و منابع این پژوهش بیانات و مکتوبات مقام معظم رهبری علیه السلام می‌باشد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد دو عامل «وراثت» و «محیط» عوامل مؤثر در تعلیم و تربیت هست. عوامل انسانی و عوامل غیر انسانی نیز در زندگی انسان نقش مؤثری دارند. در عوامل انسانی علاوه بر پدر و مادر، که نقش مؤثر و مستقیم در تربیت فرزند دارند افرادی مثل برادران و خواهران، خویشان، دوستان، مدیران، معلمان و اعضای مدرسه، امام جماعت و خادم مسجد و دیگر افراد جامعه نیز در تربیت مثبت یا منفی مؤثرند. عوامل غیر انسانی که در تربیت افراد مؤثر می‌باشد عبارت است از: عامل فیزیولوژیکی (وراثت)، عامل

\* دکتری علوم تربیتی جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه.

جغرافیای، عامل اجتماعی، عامل غذای، عامل روانی، عامل عاطفی، عامل فرهنگی و عامل مذهبی. همچنین نهادهای مؤثر تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام خانواده، آموزش و پرورش، مدرسه، دانشگاه، حوزه علمیه و صدا و سیما می باشد.

کلیدواژه‌ها: اهداف، عوامل، نهادهای مؤثر، تعلیم و تربیت، تربیت اسلامی، رهبر معظم انقلاب.

### مقدمه

یکی از اهداف مهم دین و بعثت انبیاء علیهم السلام تربیت و تزکیه انسان است. دین اسلام نیز در احکام عبادی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود، تربیت انسان ها را وجه همت خویش قرار داده است. تربیت انسان در جامعه صورت می گیرد؛ زیرا انسان مدنی بالطبع است، او در جامعه با نهادهای خانواده، سیاست، اقتصاد، دین و تعلیم و تربیت سر و کار دارد و هر یک از آن ها هنجارها و ارزش های ویژه ای را از فرد انتظار دارند و اینجاست که فرد باید بر اساس فکر و منطق و مقتضیات کنش متقابل تصمیم بگیرد. از این رو، تصور این که تربیت یک عمل فردی است فکری خام و بی اساس است. رهبر انقلاب می فرماید: عدالت اجتماعی، در صورتی در جامعه تامین می شود که افراد در جامعه تربیت شده باشند؛ ظلم نکنند و زیر بار ظلم نروند. (بیانات در دیدار افشار مختلف مردم، ۷۲/۴/۲۳) پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تربیت را از خود سازی و دگر سازی آغاز کرد و به تعلیم و تربیت نیز از اولین روزهای بعثت همت گمارد. این، خود نشانگر اهمیت آن دو مقوله دینی و قرآنی است. تربیت و پرورش صحیح قوای جسمی و روحی، عامل شکوفایی استعداد های ذاتی بشر برای رسیدن به رشد و کمال حقیقی است. رهبر انقلاب در این مورد می فرماید: هیچ آباد کردنی به قدر آباد کردن روان انسان و فکر انسان ( که در حقیقت راه آینده ی او را ترسیم می کند) نمی رسد. این بیان بر اساس بیان نورانی قرآن کریم است که تنها راه سعادت بشر را تربیت صحیح و تزکیه درون از رذائل اخلاقی معرفی می کند و نتیجه بی توجهی به این امر مهم را هلاکت و بدبختی حتمی می داند. (قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهُ) (سوگند به این آیات) که هر کس جان خود را از گناه پاک سازد رستگار می شود و هر کس آلوده اش سازد زیانکار خواهد گشت. (شمس، ۹-۱۰) نتیجه آنکه، نقش اساسی و تعیین کننده تربیت در تأمین آینده سعادت آمیز بشر و رسیدن او به کمال، قطعی

است. رهبر انقلاب در این مورد می‌فرماید: در مبنای تفکر اسلامی، هدف از حیات انسان رسیدن به رستگاری و سعادت در دنیا و آخرت است. انسان همان بذری است که باید رشد کند تا قوام بیابد و میوه بدهد و ثمربخش باشد. منتها در این مثال بُعد میدان حرکت تکاملی، میدان محدودی است اما در مورد انسان، سقفی وجود ندارد. (مصاحبه با گروه ورزش و مردم، ۱۳۶۰/۱۲/۶)

مقاله حاضر با هدف بررسی اهداف، عوامل و نهادهای مؤثر تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای علیه السلام تدوین شده است و روش پژوهش آن از نوع تحلیل محتوای کیفی بیانات معظم له می‌باشد. سؤال اصلی پژوهش این است که اهداف، عوامل و نهادهای مؤثر تعلیم و تربیت از دیدگاه رهبر معظم انقلاب امام خامنه‌ای علیه السلام چیست؟ نهادهای مؤثر تعلیم و تربیت چه وظیفه‌ای دارد؟

با جستجویی اجمالی که بنده داشتم کارپژوهشی با این عنوان یافت نشد. گرچه درباره اهمیت تعلیم و تربیت و بررسی دانشگاه اسلامی و شاخصه‌های آن از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی مقالاتی وجود دارد. لذا پژوهش حاضر اولین تحقیقی است که در این موضوع ارائه می‌شود.

## اهمیت تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت از سیاست‌های بنیادین اسلام و از اهداف زیربنایی بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم تربیت را از خود ساری و دگرسازی آغاز کرد و به تعلیم و آموزش نیز از اولین روزهای بعثت همت گمارد. با تفکر قوای درونی انسان شکوفا می‌شود و زمینه‌ی حرکت کمالی او فراهم می‌گردد لذا به همراه علم آموزی و تفکر تربیت یا پرورش اخلاقی و تهذیب نفس نیز مطرح می‌شود که در اسلام بر این امر بسیار تاکید شده و از همان ظهور اسلام مبادی و مبانی تعلیم و تربیت به عنوان یک علم بنا نهاده شده است. رهبر انقلاب می‌فرماید: یکی از مسائل ارزشمند و کارساز در زندگی بشر، علم و آگاهی است. علم، افزون بر اینکه وسیله‌ای است برای بهتر زیستن و برای خوب از عهده مسئولیت برآمدن، به خودی خود نیز مطلوب بشر

است. برای ایجاد یک تمدن اسلامی (مانند هر تمدن دیگر) دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، دومی پرورش انسان. رهبر انقلاب در اهمیت و ضرورت علم‌آموزی می‌فرماید: یک کشور اگر می‌خواهد به معنای واقعی بازسازی کند، باید بیشترین تکیه و بیشترین نگاه و توجهش، به انسان و نیروی انسانی باشد. (بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۲۰/۱۲/۱۳۷۵)

اسلام برای تعلیم و تربیت اهمیت خاصی قائل است چنانکه هر جا سخن از ارسال رسولان به میان می‌آورد، تعلیم و تربیت و تزکیه را برنامه اصلی آنان قرار می‌دهد. (هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ) (جمعه، ۲) و کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند!

خداوند متعال برای انسان مقرر فرموده است که به اختیار خود و با پیروی از دستورات پیامبران و برنامه‌های آسمانی و با کوشش و تلاش پیگیر، کسب تعلیم و تربیت کند و به مقام شایسته انسانی برسد زیرا سرکشی غرایز حیوانی و ظلمات جهل و خواهشهای نفسانی را جز با تربیت صحیح و الهی نمی‌توان مهار و بر طرف کرد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: ای اسیران خواهش نفس! کوتاه بیایید و قدم فراتر ننهید، براستی خواستاران دنیا را جز صدای دندان مصیبتها و بلاها نمی‌ترساند. ای مردم! به اصلاح و تأدیب نفوس خویش پردازید، و بدین وسیله آنها را از آزمندی خوی‌ها و عادت‌هایشان باز گردانید. و درباره رهبران و پیشوایان می‌فرماید که پیش از رهبری، باید به تعلیم و تربیت خویش همت گمارند: «هرکس خود را پیشوای مردم نمود، بر اوست که پیش از آموزش دیگران، نخست به آموزش نفس خویش پردازد. و باید پیش از تأدیب و پرورش با گفتار و زبان، با عمل و روش خود دیگران را تأدیب و تربیت نماید. و معلّم و تربیت‌کننده نفس خود، از معلّم و تربیت‌کننده مردم به بزرگداشت و احترام سزاوارتر است.

(و من کلام له عليه السلام: النَّاسُ مَعَادِنُ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ) (کلینی، ج ۸، ۱۴۰۷) مردم، معدن‌هایی همچون معدن‌های طلا و نقره‌اند. رهبر انقلاب در شرح این حدیث می‌فرماید:

همچنان که معادنی وجود دارد که در اینها طلا هست، نقره هست انسانها هم همین جورند؛ یک ظاهری وجود دارد که در حرکات و سکنات و گفتار و رفتار و کردار انسانها، آدم اینها را می‌بیند؛ اما یک باطنی هم وجود دارد که آن عبارت است از استعدادها و متراکمی که خدای تعالی در وجود انسان گذاشته است. البته این استعدادها یکسان نیستند. مریبان بشر، مریبان کودکان و بالخصوص جوانان که می‌خواهند از این استعدادها و خدادادی که در انسانها هست، استفاده کنند، باید این استعدادها را بشناسند، قدر این استعدادها را بدانند، بعد بروند دنبالش. انسانها با استعدادها و گوناگونشان، تأمین کننده‌ی نیاز جوامع بشری برای سیر الی‌الله و سیر الی‌الکمال‌اند؛ همه‌ی این استعدادها باید استخراج شود. این، وظیفه‌ی مریبان جوامع را سنگین می‌کند؛ وظیفه‌ی حکومتها را سنگین می‌کند استعدادیابی. (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در ششمین همایش ملی نخبگان جوان، ۱۳۹۱/۷/۱۲)

از نگاه قرآن کریم، دانش مایه سروری و یکی از شرایط رهبری و پیشوایی دیگران است. قرآن کریم از مأمور و مکلف شدن عده‌ای برای تحصیل علم و دانش سخن می‌گوید و آن را مقدمه‌ای برای هدایت یابی دیگران می‌داند. از نگاه قرآن، دانایی زمینه همراهی با حقیقت را فراهم می‌کند و دانایان مخاطبان حقیقی قرآنند در پایان می‌توان به این نتیجه رسید که مبارزه با بی‌سوادی عامل پیشرفت جامعه اسلامی می‌باشد. رهبر انقلاب در این مورد می‌فرماید: آن وقتی که در دنیا خبری از علم و سواد و درس و مشق و نشانه‌های تعلیم و تعلم وجود نداشت، اسلام و قرآن ما با (اقراً) شروع کرد و به قلم و نوشته سوگند خورد و اسیر جنگی را در مقابل یاد دادن چند کلمه آزاد کرد. این، متعلق به چهارده قرن پیش است. همان کارهای اسلام و نبی مکرم صلی الله علیه و آله موجب شد که جامعه‌ی امّی عرب در زمانی که اروپای امروز هیچ خبری از علم و دانش نداشتند، دارنده‌ی بزرگترین دانشگاهها و بزرگترین دانشمندان و فارابی‌ها و ابن‌سیناها و محمدبن زکریاها و ابوریحانها و دیگران و دیگران شود. یعنی در صدر اسلام، مبارزه‌ی بی‌سوادی و تحریض و تحریض به علم و دانش، جامعه‌ی اسلامی را حدود هفت، هشت قرن از همه‌ی دنیای متمدن آن روز جلوتر برد. البته بعد ما رجعت کردیم، مسلمانان تبلی کردند و کار ما به این جا رسید؛ ولی حالا می‌توانیم دوباره شروع کنیم. دوباره انقلاب

شد، دوباره اسلام سر کار آمد و حالا دیگر بی سواد می نماند. (بیانات در دیدار شرکت کنندگان در ششمین همایش ملی نخبگان جوان، ۱۳۹۱/۷/۱۲)

### معنی لغوی تربیت

تربیت در زبان فارسی به معانی پروردن، آداب و اخلاق را به کسی یاد دادن، آموختن و پروردن کودک تا هنگام بالغ شدن به کار رفته است. (دهخدا، ج ۴، ۱۳۷۷) از کتاب‌های لغت اصیل و معتبر، استفاده می‌شود که واژه «تربیت» با دو ماده لغوی «ربو» و «ربب» مرتبط است. ریشه ریب به معانی گوناگونی مانند: حضانت، در دامان خود پروردن (فراهیدی، ج ۸، ۱۴۱۰) حفظ و مراعات و سرپرستی (ابن منظور، ج ۱، بی تا) اصلاح و بر عهده گرفتن کاری و همراهی با آن (ابن فارس، ج ۲، ۱۴۰۴) و ایجاد چیزی و به تدریج تکامل بخشیدن آن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲) به کار رفته است. ریشه ربودر معانی ای مانند: زیادت، رشد و نمو و علو (ابن فارس، ج ۲، ۱۴۰۴) به کار رفته است. واژه «تربیت» دارای دو ریشه لغوی «ربو» و «ربب» است. دو دیدگاه مهم را به طور اختصار بیان می‌کنیم:

دیدگاه اول: ظاهر کلام راغب استفاده می‌شود «تربیت» از «ربو» مشتق شده است، (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲) نه از «ربب» مضاعف (طباطبایی، ۱۳۷۴) لذا، از نظر وی «ربو» ریشه اصلی و اولی واژه تربیت است.

دیدگاه دوم: از کلام ابن منظور و زبیدی استفاده می‌شود «ربّی» در اصل «ربّب» و مضاعف بوده که به دلیل ایجاد سهولت در تلفظ و تخفیف حرف باء دوم تحویل و تبدیل به حرف عله یاء شده و در نهایت، مصدر آن به دلیل معتل (طباطبایی، ۱۳۷۴) بودن فعل «ربّی» بر وزن تفعله آمده است. (زبیدی، ۱۴۱۴)

به نظر می‌رسد از دو دیدگاه مذکور، دیدگاه اول صحیح و قابل دفاع علمی است؛ زیرا ریشه ریب برای واژه تربیت به دو دلیل گزینه مناسبی نیست. ۱. مصدر مضاعف باب تفعیل به طور معمول بر وزن تفعیل است. ۲. اصل عدم اعلال است در صورتی که «تربیب» باید با اعلال به «تربیت» تبدیل شود. (اعرافی، ج ۱، ۱۳۹۱) تأکید بعضی بر این است که در صورتی که ریشه کلمه

تربیت «ر، ب، ب» باشد، این کلمه اشاره به مجموعه فعالیت‌هایی دارد که انسان‌های (رشد و تکامل‌یافته) انجام می‌دهند تا شرایط لازم رشد و تکامل را برای همه کسانی که استعداد دارند، فراهم کنند. (مهدی زاده، بی تا)

### معنی اصطلاحی تربیت

علماء برای تربیت معانی مختلفی ذکر و هر کدام از یک زاویه آن را تعریف نموده اند: افلاطون (۳۴۶-۴۲۷ ق.م) در تعریف تربیت می‌گوید: تعلیم و تربیت عبارت است از کشف استعدادهای طبیعی و شکوفا ساختن آنها. (گروه نویسندگان، بی تا)

فازابی (۲۶۰-۳۳۹ ه.ق) تربیت را اینگونه بیان می‌کند: تعلیم و تربیت عبارت است از هدایت فرد به وسیله فیلسوف و حکیم برای عضویت در مدینه فاضله به منظور دستیابی به سعادت و کمال اول در این دنیا و کمال نهایی در آخرت. (همان)

ابن سینا (۳۷۳ یا ۳۶۳ - ۴۲۸ ه.ق) می‌گوید: تعلیم و تربیت عبارت است از برنامه ریزی و فعالیت محاسبه شده در جهت رشد کودک، سلامت خانواده و تدبیر شئون اجتماعی برای وصول انسان به کمال دنیوی و سعادت جاویدان الهی. (همان)

از دیدگاه شهید مطهری علیه السلام تربیت عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی‌ای را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت درآوردن و پروردن. و لهذا تربیت فقط در مورد جاندارها یعنی گیاه و حیوان و انسان صادق است و اگر این کلمه را در مورد غیرجاندار به کار ببریم مجازاً به کار برده‌ایم، نه اینکه به مفهوم واقعی، آن شیء را پرورش داده‌ایم. (مطهری، ج ۲۲، ۱۳۸۰)

علامه مصباح علیه السلام تربیت را اینگونه تعریف کرده اند: تربیت، فراهم کردن زمینه‌هایی است برای اینکه استعدادهای و نیروهای یک موجود رشد کند تا بتواند از این نیروها برای رسیدن به کمال خودش بهره مند شود. (جمعی از نویسندگان، بی تا) تربیت اسلامی یعنی پرورش همه جنبه‌های فکری و عاطفی و جسمی و اجتماعی شخصیت اسلامی و ساماندهی رفتارهای او بر اساس مبانی و دستورهای اسلامی برای تحقق هدف‌های اسلام در زمینه‌های گوناگون زندگی. (همان)

از دیدگاه برخی دانشمندان تربیت نوعی «حرکت» است و حرکت شش عنصر دارد که عبارت اند: مبدأ، مقصد، مسافت، موضوع، فاعل و مقدار حرکت. (طباطبایی، ۱۳۷۴) در تربیت این شش عنصر وجود دارد، زیرا «مبدأ» آن استعداد های متربی است، «مقصد» شکوفایی استعداد های متربی «مسافت» ابعاد وجودی متربی، «موضوع» خود متربی، «فاعل» مربی، «مقدار حرکت» تغییراتی است که باید در متربی ایجاد شود. (اعرافی، ۱۳۹۱)

بنابراین تربیت عبارت است از: فرایند یاری رساندن به متربی برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان در یکی از ساحت های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری که به واسطه عامل انسانی دیگر به منظور دستیابی وی به کمال انسانی و شکوفا کردن استعداد های او یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتار هایش صورت می گیرد. (همان)

رهبر معظم انقلاب در معنای تربیت می فرماید:

تربیت به معنای رشد و نمو و حرکت هر شیء به سمت هدف و غایتی است که آن شیء کمال خود را بازمی یابد و برای مثال تربیت یک نهال یا یک بوته گل، به این معناست که ما این نهال یا این بوته گل را رشد و نمو بدهیم تا برگ و بار پیدا کند و ضمن اینکه خود این نهال یا بوته، از لحاظ ظاهری و جسمی و زیبایی باید شکل کامل خود را پیدا کند، میوه اش هم باید میوه سالم و شیرینی باشد. (مصاحبه با مجله آینده سازان، ۱۳۶۵/۷/۲۱)

به این ترتیب، در نظر مقام معظم رهبری، تربیت یعنی شکوفایی استعداد ها، و این، معنای وسیعی را در بر می گیرد که شامل بروز سلامت جسمی، فکری، علمی و اخلاقی انسانی است که قصد شده تا در مسیر کمال، رشد و نمو داده شود. یعنی اهداف تربیتی دارای گستردگی خاصی است که همه استعداد های بشری از جمله تربیت اخلاقی و رشد معنوی را شامل می شود. امام خمینی علیه السلام در مورد نیاز بشر به تربیت اخلاقی می فرماید: از اول در سرشت انسان است که این انسان از عالم طبیعت سیر کند تا برسد به آنجایی که وهم ماها نمی تواند برسد و همه اینها محتاج به تربیت است. (امام خمینی، بی تا)

### تفاوت مفهوم تعلیم و تربیت

در مقایسه آموزش (تعلیم) و تربیت (پرورش)، تفاوت هایی بیان شده است که عبارتند از:



۱. در تربیت هدف رشد دادن و شکوفایی همه قابلیت‌ها و توانایی‌هایی بالقوه انسان است، ولی در آموزش هدف اصلی در آن انتقال معلومات است. (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۷۷)
  ۲. در تعلیم بیشتر با یک بعد از ابعاد وجودی انسان، یعنی بعد شناختی و عقلانی او سروکار داریم، اما تربیت فراگیر و همه‌جانبه است. (همان)
  ۳. تعلیم معمولاً بیشتر به وسیله معلم و در جای معینی، همچون مدرسه و کلاس درس صورت می‌گیرد، ولی در تربیت، همه عوامل موجود در محیط به نحوی بر فرد تأثیر می‌گذارند. (مهدی صانعی، ۱۳۷۸)
  ۴. «آموزش به معنای انتقال دانش است و پرورش به معنای انتقال ارزش‌ها.» (کریمی، ۱۳۸۱)
  ۵. «آموزش به فعالیت‌های ذهنی و علمی در داخل کلاس درس مربوط می‌شود، اما پرورش به فعالیت‌های عملی اطلاق می‌شود که در خارج از ساعات درسی انجام می‌گیرد.» (همان)
  ۶. «پرورش آن دسته از آموزه‌ها، پیام‌ها و الگوهایی است که جنبه دینی، اخلاقی و انقلابی دارد، ولی آموزش آن دسته آموزه‌هایی است که جنبه شناختی و علمی داشته و در قالب کتاب‌های درسی و به صورت رسمی تدریس می‌شود.» (همان)
  ۸. «آموزش جنبه رسمی، عمدی، برنامه‌ریزی شده، قصد شده و آشکار دارد، اما تربیت فرآیندی غیررسمی، غیرعمدی و درونی است...» (همان)
- مقام معظم رهبری نسبت بین تربیت و تعلیم را به صورت عموم و خصوص مطلق تبیین می‌فرماید: پس تربیت در اصطلاح خاص چیزی غیر از تعلیم است و تعلیم به معنی یاد گرفتن است اما تربیت به معنای شدن و به شکل خاصی درآمدن است که شامل تربیت‌های اخلاقی، تربیت‌های دینی می‌شود. (مصاحبه با مجله آینده سازان، ۱۳۶۵/۷/۲۱) البته باید توجه داشت که رابطه تنگاتنگی بین تعلیم و تربیت وجود دارد، به گونه‌ای که هیچ یک بدون دیگری به اهداف اساسی خود نخواهند رسید. ایشان می‌فرماید: تعلیم باید با تربیت آمیخته باشد. ... بهترین شکل کار این است که معلم، مربی نیز باشد.

تربیت صحیح جسمی و روحی، فکر و عقل متربی را به شکل مطلوبی پرورش می‌دهد و ذهنش را برای رسیدن به عمق مطالب و درک حقایق امور آماده می‌سازد. امام خمینی علیه السلام نیز تعلیم و تربیت را مکمل هم دانسته و می‌فرماید:

تعلیم باید پهلویش تربیت باشد، تربیت صحیح؛ تربیت اسلامی. اگر تعلیم تنها باشد بدون تربیت، فایده ندارد؛ بلکه گاهی مُضَرّ است. تربیت بی‌تعلیم هم نمی‌شود؛ به نتیجه نمی‌رسد. این دو تا باید با هم باشند، توأم باشند؛ تعلیم و تربیت. انسان یک موجودی است که با تعلیم و تربیت رشد می‌کند. (امام خمینی، بی تا)

بی شک، تربیت که سنگ بنای شخصیت فکری هر انسانی را پایه‌گذاری می‌کند، به دلیل نتایج ارزشمندی که به دنبال می‌آورد، بر تعلیم که تنها به تقویت قوای عقلانی انسان می‌پردازد، تقدم رتبی دارد؛ چنانکه در آیه: (و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه) (آل عمران، ۱۶۴) تقدم تزکیه بر تعلیم نشان داده شده است. این کلام مقام معظم رهبری است که فرمود: تربیت پیش از تعلیم انسان را به حرکت درمی‌آورد. اگر تربیت نباشد، بصیرت انسان به کمک او نمی‌آید. پیام مقام معظم رهبری به مناسبت چهلمین روز ارتحال امام علیه السلام، ۱۳۶۸/۴/۲۲)

آنچه بیان شد، برخی تفاوت‌هایی است که از سوی کارشناسان امر تعلیم و تربیت، در تفاوت میان تعلیم (آموزش) و تربیت (پرورش) بیان گردید. همه این دیدگاه‌ها ناظر به یک نتیجه مشترک است و آن جدایی و تمایز مفهومی میان تعلیم و تربیت است.

## اهداف تعلیم و تربیت اسلامی

برای انجام هر کاری قبل از هر چیز، باید اهداف آن را بطور دقیق مشخص کرد. درباره تعیین هدف مقام معظم رهبری می‌فرماید: حقیقت هر انسانی، خواسته و فکر و هدف و راه اوست. پیام مقام معظم رهبری به مناسبت چهلمین روز ارتحال امام علیه السلام، ۱۳۶۸/۴/۲۲) در تعلیم و تربیت نیز، باید هدف را به دقت شناخت تا از خطرات ناشی از عدم آگاهی نسبت به جهت، روش و ابزار برحذر بود. نکته قابل توجه دیگر، دقت در الهی بودن هدف است. رهبر انقلاب تأکید دارد که تنها هدفی ماندگار و باقی است که الهی باشد. ایشان می‌فرماید: هر هدفی که قائم به نفس و

شخص انسان است، متعلق به اوست و با رفتن و مردن انسان، آن هدف هم می‌میرد و از بین می‌رود؛ اما هدفی که الهی و قائم به غیب و خواست خداست و انسان در راه آن فداکاری می‌کند، با مردن انسان، آن هدف نمی‌میرد. (همان)

تعدادی از اهداف تعلیم و تربیت اسلامی را می‌توان به شکل زیر بیان نمود:

### ۱. پایبندی به اصول اعتقادی توحیدی و مبانی دینی

همه مکتب‌های توحیدی از جمله اسلام برای انسان‌سازی آمده‌اند. از این رو، تمامی نمودهای مذهب در حقیقت نوعی اثر تربیتی دارند ولی برای بدست آوردن این آثار باید با شناخت خداوند متعال، به اصل توحید معتقد شد. اعتقاد به توحید، هدف عالی تربیت اسلامی است. مقام معظم رهبری توحید را چنین معنا می‌کند: توحید یعنی رهایی انسان از عبودیت و اطاعت و تسلیم در برابر هر چیز و هر کس بجز خدا، یعنی گسستن بندهای سلطه نظام‌های بشری، یعنی .... دل بستن به رحمت خدا و نه‌راسیدن از احتمال شکست ... و خلاصه یعنی خود را مرتبط و متصل به اقیانوس لایزال قدرت و حکمت الهی دیدن و به سمت هدف اعلی با امید و بی‌تشویش شتافتن. (پیام مقام معظم رهبری به مناسبت اولین سالگرد ارتحال امام عنه‌السلام، ۱۳۶۹/۳/۱۰)

براساس این تفسیر از توحید، توجه نکردن به این اصل بنیادین اسلام در امر تربیت سبب عقب ماندگی، ناتوانی، کم‌جراتی و بی‌ابتکاری جامعه اسلامی می‌گردد. راه‌های کشورهای اسلامی از وادی عقب‌افتادگی و وابستگی به غرب در پناه بردن به توحید واقعی است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای عنه‌السلام در این مورد می‌فرماید: راه علاج آن است که مسلمانان به اسلام ناب که در آن توحید و نفی عبودیت غیر خدا، از هر چیز برجسته‌تر و درخشانده‌تر است، برگردند و عزت و قدرت خود را در اسلام بجویند. (همان) به این ترتیب، در تربیتی که براساس دین و معیارهای آن تعریف می‌شود، باید تفکر ناب اسلامی که ناشی از نگاهی جامع به توحید است نمود پیدا کند و اصول‌گرایی هدف آرمانی تربیت دینی باشد.

## ۲. عمق بخشیدن به تفکر اسلامی

گرچه با تحقق جمهوری اسلامی ایران، بسیاری از مفاهیم و اصول اسلامی مانند: توحید عملی، جهاد و ولایت برای مردم تبیین شده است، اما گاه این مباحث، آنچنان در اذهان رسوخ نکرده‌اند که با تشکیک و وسوسه زایل نشوند. اصول اسلامی باید به گونه‌ای تبیین گردند و تربیت باید به صورتی شایسته انجام پذیرد تا تفکر اسلامی در جامعه عمق یابد. از جمله این اصول، عبارتند از:

اصل نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی (پیام مقام معظم رهبری به مناسبت چهلمین روز ارتحال امام علیه السلام، ۱۳۶۸/۴/۲۲)

اصل حکومت دینی و ولایت فقیه (همان)

اصل وحدت عمومی با محوریت ولایت فقیه و خط امام علیه السلام

اصل ضرورت حفظ استقلال (همان)

اصل استکبارستیزی.

## ۳. توکل و یاد خداوند متعال

آفرینش انسان به گونه‌ای است که انسان جز به وسیله ایمان و یاد خدا آرامش نمی‌یابد. قرآن کریم می‌فرماید: (وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا) (طه، ۱۲۴) و هر کس از یاد من اعراض کند همانا (در دنیا) معیشتش تنگ شود. اعراض از یاد خدا، توجه به امور دنیوی و پیروی از هواهای نفسانی، زندگی انسان را دشوار و با ناراحتی و اضطراب درونی همراه می‌سازد و یاد خدا تنها آرام بخش دلهاست. (أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ) (رعد، ۲۷) آگاه باشید که تنها با یاد خدا دلها آرامش پیدا می‌کند. حضرت علی علیه السلام نیز، ذکر خدا را نور قلبها می‌داند و به آن توصیه می‌کند. (عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ نَوَّرَ الْقُلُوبَ) ذکر خدا را فراموش نکن که ذکر خدا نور قلبهاست. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶) قلبی که به خدا ایمان و سرسپردگی دارد، به منبع و سرچشمه خوبیها پی برده و به آینده خویش امیدوار است و در نتیجه دچار احساس پوچی و یأس نمی‌شود. یکی از اهدافی که در مقام تعلیم و تربیت دینی اهمیت بسزایی دارد، توجه دادن فرد متربی به یاد خدا

و انجام امور عبادی است. مقام معظم رهبری ذکر و یاد خدا را وظیفه همه افراد جامعه اسلامی دانسته و می‌فرماید:

یاد و ذکر خدا و توجه و اتصال حقیقی به او و مبارزه با نفس و عبادت واقعی را روزبه‌روز در عمل شخصی و فردی خودمان تقویت کنیم. این، وظیفه یکایک ماست. . . . تنها تکیه‌گاه یک ملت بزرگ و مبارز و موحد، یاد خدا و توکل به خدا و اعتماد به خداست. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با روحانیون و وعاظ، ۱۳۶۹/۱۲/۲۲)

#### ۴. نگهداری ارزش‌های اخلاقی

علت اصلی بسیاری از مشکلات بشری در نظام‌های مختلف، ناشی از غفلت از معنویت و گرایش به مادیگری است. برای رهایی از بحران اخلاقی معاصر و برای احیای ارزش‌های اخلاقی باید قیام جدی کرد. مقام معظم رهبری علیه السلام در مورد اولویت پرداختن به ارزش‌های اخلاقی می‌فرماید: ما ارزش‌های اخلاقی و معنوی را برای جوان ضرورتی می‌دانیم که اهمیت آن بیشتر از علم است و معتقدیم انقلاب ما بخاطر همین ارزش‌ها بوده است. (مصاحبه با مجله آینده سازان، ۱۳۶۵/۷/۲۱) به سبب اهمیت و ضرورت ارزش‌های اخلاقی، این ارزش‌ها باید در نظام تربیتی و آموزشی جای داده شوند. از این رو، رهبر معظم در ارائه طرح آموزشی مناسب توصیه می‌کند که:

تواضع، اخلاص، مهربانی در رابطه با بندگان خدا، صلابت در مقابل دشمنان، فداکاری و اصالت ندادن به مال و جاه و مقام و از جان و فرزندان و آسایش و سلامتی خود، خیلی راحت برای رضای خدا گذشتن، از اساسی‌ترین جوهرها و بالاترین ارزشی است که برای آن باید خود را به زحمت بیندازیم و تلاش کنیم و در آموزش‌های خود و در عمل آن را به کار بگیریم. (همان)

#### عوامل مؤثر تعلیم و تربیت

عوامل مهمی را که غالباً «علمای تعلیم و تربیت» به عنوان عوامل مؤثر در تربیت مطرح می‌کنند، دو عامل «وراثت» و «محیط» است. گرچه دو عامل «وراثت» و «محیط» در تربیت

انسان تأثیر به سزایی دارند؛ شواهد فراوانی در لابلای متون اسلامی در اهمیت تأثیر این دو عامل و تدابیر تربیتی که به لحاظ وجود این اهمیت باید مورد مراقبت اولیا و مربیان قرار می‌گیرد وجود دارد. نکته حائز اهمیتی که لازم است در ابتدای این مبحث مطرح شود این است که اسلام عوامل مؤثر در تربیت انسان را فقط به دو عامل مذکور، محدود نمی‌کند، و به تأثیر دو عامل دیگر که عبارتند از «اراده» و «عوامل ماوراء طبیعت» اعتقاد دارد. از نظر اسلام، «اراده» نقش عمده‌ای را در تربیت انسان ایفا می‌کند و اساس مباحث «خودسازی» و «اخلاق»، «اراده» است، چرا که به کمک «اراده» است که انسان به اصلاح نفس خویش اقدام می‌کند و اگر جهت‌گیری او فقط مبتنی بر دو عامل وراثت و محیط بود، «خودسازی» مفهومی نداشت. همچنین بنابر اعتقاد اسلامی، «عوامل ماوراء الطبیعه» در زندگی انسان نقش مؤثری دارند. به عنوان مثال اعتقاد به ابلیس و تأثیرات «نامطلوب» او در تربیت انسان، یک اعتقاد سمبلیک نیست بلکه ابلیس موجودی واقعی است که سوگند یاد کرده است در اغوای بندگان از هیچ کوششی دریغ نکنند. بدین ترتیب علاوه بر «وراثت» و «محیط» عامل «اراده» و عوامل «ماوراء الطبیعه» نیز در تربیت انسان نقش به سزایی دارند. مهم‌ترین این عوامل عبارتند از: الف) عوامل انسانی ب) عوامل غیر انسانی

## الف) عوامل انسانی

### نقش والدین

بدون شک نقش والدین در تربیت فرزندان تأثیر شگرف دارد به گونه‌ای که می‌توانند شرائطی را فراهم آورند که در تمام ابعاد تربیتی، رفتار، اخلاق و اعتقاد آنها را به راه درست شکل داده یا تغییر دهند. در روایت آمده است که کودک با فطرت الهی و خداجوئی به دنیا می‌آید اما پدر و مادر آن را یهودی یا نصرانی می‌نمایند. «کل مولود یولد علی الفطره حتی یكون ابواه یهودانه وینصرانه» (مجلسی، ج ۳، ص ۲۸۱، بی تا) در تاریخ آمده است که صاحب بن عباد خیلی مرد با سخاوتی بود، خودش می‌گفت: من این سخاوت را از مادرم یاد گرفتم، برای اینکه مادر من هر روز که می‌خواستم مدرسه بروم پولی را به من می‌داد و می‌گفت این را صدقه بده. هر روز پول

دادن به من و صدقه دادن موجب شد من سخی شوم. من فهمیدم اینکه انسان همانطور که باید به فکر خود باشد، باید به فکر دیگران هم باشد.

نقش پدر برای کودک، زندگی حال و آینده وی بسیار مهم است؛ او دارای تأثیرات وراثتی و محیطی سرنوشت ساز برای کودک می‌باشد. رفتارش الگو است و گفتارش سند است، غرور او کارساز است، جرأت او اطمینان بخش است، هیبت و وقارش سازنده است. زندگی و وجودش مایه گرمی و نشاط کانون خانواده می‌باشد. طرز برخوردها، کیفیت اعمال انضباط، شیوه محبت یا خشونت، تزلزل یا قاطعیت در رفتار اقتدار و سندیت او برای کودک درس آموز و سازنده است. شرافت او در کودک مؤثر می‌باشد، به همان میزان که سلامت او مؤثر است. همچنین مادر بارزترین منشاء آسایش و مهر و عالی‌ترین منبع سعادت خانوادگی است. حضرت امام خمینی علیه السلام دامان مادران را مدرسه‌ای می‌دانند که باید در آن جوانان بزرگ تربیت شوند؛ و بر حضور شخصی زن در خانه برای اعمال تربیت صحیح تأکید دارند و با همه اهمیتی که به این قضیه دارند، مخالف حضور اجتماعی مادران نیستند؛ اما اصرار دارند فرزندان در دامان مادران خود تربیت شوند.

اثرگذاری برخوردها و رفتارهای مادر، در انتقال فرهنگی صحیح و شایسته به کودک شایان توجه است. کامرانی در خانواده، امنیت و آرامش در آن و نیز احساس قدرت و استقلال کودکان بستگی به وجود مادر دارد. کودک بیش از هر کس با مادر تماس دارد، مفاهیم مذهبی و اخلاقی را از وی می‌گیرد، او را نمونه و شاهد خود در رفتار قرار می‌دهد. به همین اساس پرورش مذهب و اخلاق از وظایف اولیه مادر است. علاوه بر پدر و مادر، که نقش مؤثر و مستقیم در تربیت فرزند دارند افراد زیر هم در تربیت مثبت یا منفی مؤثرند. برادران و خواهران، دیگر اعضای خانواده، خویشان، بستگان، دوستان، مدیران، معلمان و اعضای مدرسه، اجتماع، مسجد، امام جماعت و خادم مسجد وغیره.

### ب) عوامل غیر انسانی

تعداد عوامل غیر انسانی که در تربیت کودکان مؤثر می‌باشد، فراوان است که شمارش تمامی

آنها در مختصر میسر نیست. در اینجا فقط به بیان تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم. عامل فیزیولوژیکی (وراثت)، عامل جغرافیای، عامل اجتماعی، عامل غذای، عامل روانی، عامل عاطفی، عامل فرهنگی، عامل مذهبی.... هر یک از این عوامل تأثیر در تربیت می‌گذارد. برخی از عوامل تأثیر گذار و مهم به شرح زیر می‌باشد.

### ۱. عامل وراثت

از مهم‌ترین عامل‌های تربیت وراثت می‌باشد. از این رو اسلام بر مراقبت‌های ویژه قبل از تولد کودک تأکید فراوانی داشته است. زن و مردی که هم‌شان باشند و دارای تفاهم اخلاقی باشند، می‌توانند در محیطی بهتر و آماده‌تر به پرورش انسان پردازند. اسلام، دین انسان‌پرور است؛ از دستورهای این دین آسمانی درباره وظایف والدین قبل از ازدواج، انتخاب همسر، اخلاق همسران و خانواده آن‌ها نکاتی بیان شده است و دارای دستور و برنامه می‌باشد.

تمام این‌ها مبین این امر مهم است که شالوده شخصیت کودک قبل از به وجود آمدن بنا می‌شود. همچنین امام خمینی علیه السلام به اصل وراثت توجه داشته و می‌فرماید: اگر پدر و مادر یکی از طرفشان مثلاً اخلاقش فاسد باشد، اعمالش اعمال غیر انسانی باشد، این بچه‌هایی که پیدا می‌شود به واسطه وراثتی که هست، این‌ها همه بر او تأثیر دارند.

### ۲. عامل جغرافیایی

عوامل طبیعی و مادی، موقعیت و وضعیت اقلیمی محل تولد و نشو و نما و کودک نیز تأثیر مهمی در پیدایش نژادهای گوناگون و ساختارهای شخصیت متفاوت در نوع بشر دارد. ابن خلدون، در مورد تأثیر محیط جغرافیایی بر انسان می‌گوید: تردیدی نیست که محیط طبیعی در انسان مؤثر است. و از نظر اخلاق حالات خاصی را در افراد ایجاد می‌نماید

### ۳. عامل اجتماعی

عامل اجتماعی و محیط‌های اجتماعی، در ردیف مهم‌ترین عناصر شکل دهنده به ساختار شخصیت بشر می‌باشد؛ تا آنجا که همانگونه که گروهی از دانشمندان همه امور فطری انسان



را ناشی از جامعه و تاریخ می‌زدانند و تأثیر جامعه از دیرباز مورد تأکید بوده است. محیط‌ها و نهادهای گوناگون اجتماعی که در تربیت شخصیت مؤثرند عبارتند از: نهاد خانواده و نهاد آموزش و پرورش، نهاد حوزه علمیه و نهاد صدا و سیما.

#### ۴. عامل غذایی

غذا به عنوان عامل مؤثر در رشد حائز اهمیت فراوانی است زیرا نخستین پایه‌ای است که بستگی و علاقه کودک نسبت به مادرش بر آن استوار است و مادر نیز اولین منبع او می‌باشد. نخستین یادگیری درباره اشخاص مخصوصاً بر اساس تجارب حسی پیچیده مربوط به تغذیه پی ریزی می‌شود. وضع تغذیه گرایش‌های اساسی نسبت به مادر را تشکیل می‌دهد و این گرایش ممکن است مثبت، منفی یا ترکیبی از آن دو باشد. بستگی میان غذای مناسب و موقعیت در فعالیت‌های مدرسه نیز کاملاً آشکار است. کودکی که خوراک کافی و کاملی نمی‌خورد و ویتامین‌های لازم به بدنش نمی‌رسند علاوه بر نداشتن پیشرفت‌های لازم در تحصیل ممکن است به بیماری‌های بسیار جدی گرفتار شود.

مال حلال یا حرام نیز تأثیر مستقیمی در شکل‌گیری و رشد شخصیت کودک دارد. چنانچه لقمه، در نسل آدمی تأثیر می‌گذارد (کَسْبُ الْحَرَامِ يَبِينُ فِي الدُّرِّيَّةِ) (کلینی، ج ۵، ص ۱۲۴، ۱۴۰۷) مال حرام در فرزندان آشکار می‌شود و روی آن‌ها اثر می‌گذارد. «وقتی مسلمان با تلاش و کوشش خود مالی را به دست می‌آورد و حقوق نهاده شده در آن را ادا می‌کند، به طور قطع نحوه‌ی زندگی کردن، رفت و آمد و مرادوات او تحت تأثیر قرار می‌گیرد؛ این تعلیم و تربیت عینی فرزندان را به دنبال دارد. کسی که خود را موظف به ادای حقوق می‌کند با پدر و مادر خود نیک رفتار است و مرتباً به دنبال کسب رضایت آنان و تأمین احتیاجات آن‌ها می‌باشد؛ از طرفی نیز همیشه از احوال خویشاوندان خود مطلع است. برخورد وی با مستمندان و مساکین مهربانانه می‌باشد. بدین ترتیب از تبعات کسب روزی حلال تربیت فرزندان با عمل است؛ چرا که اولاد چیزهایی را می‌آموزند که می‌بینند. نحوه عملکرد فرد در کسب روزی حلال خود به خود تربیت فرزندان را در پی دارد و والدین در یک جریان دایره‌ای از تأثیرات تربیتی خویش

بهره‌مند می‌گردند؛ چون آنان نیز پس از استقلال مالی فرزندان مورد اکرام اولاد خود واقع می‌شوند. روان‌شناسان تغذیه نیز در مورد غذا این طرز فکر را دارند که «تو اول بگو چه می‌خوری تا من بگویم تو که هستی» و این نشان دهنده تأثیر غذا در خلیقات و رفتارها است.

### نهادهای مؤثر در تعلیم و تربیت

نهادهای مؤثر در تعلیم و تربیت عبارت است از نهادهای اجتماعی و فرهنگی و سازمان یافته که، به عنوان مهم‌ترین عامل انتقال، بسط و اعتلاء فرهنگ در جامعه اسلامی، مسئولیت آماده سازی افراد جامعه جهت تحقق مرتبه‌ای از حیات طیبه در همه ابعاد را برعهده دارد که تحصیل آن مرتبه برای عموم افراد جامعه لازم یا شایسته باشد.

### الف. خانواده

خانواده، هسته نخستین جامعه و از عوامل اصلی انتقال فرهنگ، اندیشه، اخلاق و سنت‌ها و عواطف به نسلی پس از نسل دیگر است. در میان اعضای خانواده بیشترین سهم تأثیرگذاری بر فرزند از آن مادران است؛ به ویژه در خانواده‌هایی که سبک زندگی مطابق با الگوها و سنت اسلامی دارند؛ که براساس آن شیر مادر بهترین غذای کودک و آغوش مادر بهترین جایگاه برای تربیت و پرورش کودکان شناخته می‌شود. بر پای‌بست همین نگرش، بارزترین و والاترین نقشی که در کلام و حیانی قرآن، برای زنان ترسیم و مورد ستایش قرار گرفته شده نقش مادری و عهده‌داری تربیت فرزندان از سوی آنان است. زنان به حکم طبیعت و دستگاه آفرینش در سه نقش طبیعی ابراز وجود می‌کنند: نقش دختری، نقش همسری و نقش مادری. از میان این هر سه نقش آن چه جایگاه و منزلت ویژه و شایسته تعظیم و تکریم به زن می‌دهد، منزلت و جایگاه مادری است. در دو سوره به خصوص بر روی واژه مادر جداگانه تکیه شده و زحمت‌ها، رنج‌ها و بیداری‌هایی که برای پرورش، تربیت و سلامت فرزند خود در هنگام بارداری، شیردهی، متحمل گشته است، یادآور شده و بدین‌سان منزلت مادری را نسبت به پدر بیشتر ارج نهاده است. رهبر انقلاب می‌فرماید: بهترین روش تربیت فرزند انسان، این است که در آغوش مادر و با استفاده از مهر و محبت او پرورش پیدا کند. (بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۲۰/۱۲/۱۳۷۵)

پس از تولد، محیط خانواده، مهم‌ترین نقش را در تکوین و تحول شخصیت فرد ایفا می‌کند. خانواده سالم و صالح، کانونی است که در آن عواطف و احساسات فرزند به نحو صحیح رشد و بالندگی می‌یابد و برعکس، در خانواده ناسالم، انسان رشد طبیعی خود را از دست می‌دهد و دچار ناهنجاری‌های رفتاری می‌شود. در اهمیت خانواده همین بس که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر نوزادی بر فطرت (توحیدی) متولد می‌شود، تا اینکه پدر و مادرش او را یهودی یا مسیحی می‌کنند. (مجلسی، ج ۳، ص ۲۸۲، ۱۴۰۴) رهبر انقلاب این بحث را چنین مطرح می‌کند:

اسلام برای دوران کودکی و نوجوانی و سپس جوانی چند عامل تربیتی تعیین کرده که یکی از آنها آموزش‌های والدین و تأثیرات محیط خانواده است. مردم باید به امر کودک بها بدهند و خانواده‌ها درصدد تعلیم و تربیت صحیح کودک باشند و به بهداشت (روحی) آنها بپردازند و با نظمی که در خانواده‌ها ایجاد می‌کنند، کودکان را پرثمر برای آینده بار آورند. اگر در خانواده‌ای از دروغ‌گویی اجتناب شود، کودکان آن خانه راستگو بار خواهند آمد و اینگونه برخوردها خود تعلیم و تربیت صحیح کودکان را فراهم می‌آورد. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با فرزندان شهدا، ۱۳۶۸/۵/۲۵)

یکی از ابعاد مهم اجتماعی کردن، گرایش دادن به اخلاق و ارزش‌های مذهبی است. در هر دوره تاریخی خانواده‌ها کوشیده‌اند که قواعد و مقررات اخلاقی مورد قبول جامعه را به فرزندان خود منتقل کنند. هر کودکی دین و مذهب و باورهای بنیادین خود را نخستین بار در دامن خانواده فرامی‌گیرد و آن جاست که با اصول و فروع و باید و نبایدهای آن آشنا می‌گردد. کودک از دنیای بسته پا به دنیای وسیع می‌گذارد، بنابراین می‌خواهد از اسرار آنها سر در آورد. بدین سان غریزه اوست که از منشا پدیده‌ها بپرسد. از روابط علت و معلولی آن سوال کند. این زمینه مناسبی برای کودک است که والدین؛ فرصت را غنیمت شمارند و واقعیت‌ها را برای او توضیح دهند. یکی از راه‌های پاسخگویی کتاب می‌باشد. باید پدرها و مادرها، بچه‌ها را از اول با کتاب محشور و مأنوس کنند. حتی بچه‌های کوچک باید با کتاب انس پیدا کنند. باید خرید کتاب، یکی از مخارج اصلی خانواده محسوب شود. (مصاحبه در پایان بازدید از نمایشگاه کتاب ۱۳۷۴/۰۲/۲۶)

بدین ترتیب، آموزش مستمر خانواده‌ها در مورد شیوه پرورش کودکان در اولویت قرار می‌گیرد. در این راستا، مقام معظم رهبری، انتقال برخی مفاهیم مثل محبت و احترام به کودک و آگاهی از زبان فرزند و هم‌زبانی با وی و ایجاد زمینه نشاط و سلامت جسمی و روانی از طریق ورزش و سرگرمی‌های مناسب و شناخت مواهب خدادادی و مفاهیم ارزشی را به خانواده‌ها امری ضروری می‌داند. ایشان معتقد است که شش سال اول زندگی کودک در تکوین شخصیت وی اعم از رشد استعدادها، منطقی و زبانی، تعادل عاطفی و توانایی برقراری روابط اجتماعی و آشنایی با مسائل معنوی از اهمیت ممتازی برخوردار است.

مقام معظم رهبری علیه السلام یکی از عوامل مهم انحطاط غرب را متزلزل شدن بنیاد خانواده می‌داند و علت اصلی آن را نبودن مادر در جایگاه اصلی خویش در خانواده برمی‌شمارند؛ از این رو در این باره چنین هشدار می‌دهند:

مسئله خانه و خانواده خیلی مهم است. مسئله مادری، مسئله همسری، مسائل بسیار اساسی و حیاتی است. در همه طرح‌هایی که ما داریم، بایستی «خانواده» مبنا باشد؛ یعنی شما اگر بزرگ‌ترین متخصصین پزشکی یا هر رشته دیگر بشوید، چنانچه زن خانه نباشید، این برای شما یک نقص است. کدبانوی خانه، شما باید باشید؛ اصلاً محور این است. کانون خانواده جایی است که عواطف و احساسات باید در آنجا رشد و بالندگی پیدا کند؛ بچه‌ها محبت و نوازش ببینند؛ شوهر که مرد است و طبیعت مرد، طبیعت خام‌تری نسبت به زن است در میدان خاصی، شکننده‌تر است و مرهم زخم او، فقط و فقط نوازش همسر است - حتی نه نوازش مادر - [مرد] باید نوازش ببیند. آن کار را برای یک مرد بزرگ، این همسر کاری را می‌کند که مادر برای یک بچه کوچک می‌کند؛ و زنان دقیق و ظریف، به این نکته آشنا هستند. اگر این احساسات و عواطف محتاج وجود یک محور اصلی در خانه - که آن خانم و کدبانوی خانه است - نباشد، خانواده یک شکل بدون معنا خواهد داشت. (بانکی‌پورفرد، قماشچی، ۱۳۸۵)

یکی از وظائف والدین مراقبت ایمن فرزندان است. رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره این موضوع می‌فرماید: حق نداریم فرزندان را رها کنیم. سعی تان این باشد که ایمانشان را حفظ کنید. کاری نکنید که ایمان جوانتان، دختر و پسر تان به مبانی شما متزلزل شود. گاهی انسان با

دست و زبان بی مهار و بیرون از کنترل و با عمل غلطِ خودش کاری می‌کند که جوان خود را از دین و مبانی دینی و اعتقادات و اصول دور می‌کند؛ او را بی‌اعتقاد می‌کند. ما چنین کسانی را داشتیم؛ از هر دو طرف هم ممکن است. گاهی با سختگیری‌های بی جا. بعضی هم از آن طرف با بی‌مبالاتی‌ها و لاپرواہی‌گری‌ها و امکانات بی‌حساب در اختیار بچه‌ها گذاشتن و از هر غلطِ آنها با اغماض چشم‌پوشی کردن، بچه‌ها را با دست خود طرد می‌کنند؛ در نتیجه بچه فاسد و خراب می‌شود. باید با منطق و برخورد صحیح و مهربانانه با فرزندان برخورد کرد. «قوا انفسکم و اهلیکم»؛ جوان و همسران را باید حفظ کنید؛ این جزو وظایف شماست. این، اثر تشدید کننده دارد؛ یعنی وقتی در خانواده‌ی، جوان یا یک عضو خانواده خدای نکرده نقطه‌ی ضعیفی پیدا کرد؛ مثل لکه‌ی سیاهی شد روی دندان، و مینای دندان در این نقطه خراب شد، بتدریج روی ذهن مخاطب‌های خودش و پدر و مادرش اثر می‌گذارد و همین‌طور اثرهای متقابل تشدیدکننده دارد؛ در نتیجه آن حقیقت و معنویت را از دست می‌دهد.

### ب. آموزش و پرورش

بی‌شک نهاد آموزش و پرورش که از مدرسه تا عالی‌ترین سطح تحصیلات دانشگاهی را در بر می‌گیرد، نقشی حیاتی در بیداری فرهنگی یک جامعه اسلامی دارد. مقام معظم رهبری به این نکته حساس در بیانات خویش اشاره کردند و فرمودند: هدف فشار دشمن در جبهه نظامی سیاسی و اقتصادی، فقر (و ضربه زدن) در جبهه فرهنگی است. اگر آمریکا به این نتیجه برسد که می‌توان آموزش و پرورش ایران را چنان تغییر داد که در چند سال آینده از انقلاب خبری نباشد، دیگر اصراری بر محاصره اقتصادی خود نخواهد داشت. (دیدار با گروهی از اعضای انجمن اسلامی معلمان، ۱۳۶۳/۶/۱۱)

ایشان وزارت آموزش و پرورش را زیرساز آینده کشور دانسته و فرمود: جامعه اسلامی برای خنثی کردن نقشه‌های دشمنان پس از امدادهای غیبی الهی به آموزش و پرورش و معلمان متعهد و دلسوز و دانش‌آموزان که سرمایه‌های انقلابند، چشم دوخته‌اند. (همان)

استعمارگران می‌کوشند تا در هر کشور به سرچشمه‌های اصلی تعلیم و تربیت آن کشور تسلط پیداکنند و باصطلاح می‌کوشند تا آب را از سرچشمه گل آلود کنند. آنان سعی می‌کنند

با تاسیس دبستانها، دبیرستانها، دانشگاهها و مراکز تربیت معلم، نسلی تربیت کنند تا آنطور فکر کند که استعمارگران می‌خواهند و در نتیجه آن طور عمل کند که منافع استعمارگران تامین شود. استعمار فرهنگی سخت‌ترین نوع استعمار و شدیدترین نوع وابستگی است و پایه‌های استعمار نوبر استعمار فرهنگی استوار می‌شود. استعمارگران، فرهنگ و تعلیم و تربیت را در هر کشور به دست می‌گیرند تا نسل جوان را فاسد و تباه سازند. رهبر انقلاب در این باره می‌فرماید:

امام بزرگوار ما در یک حادثه مهم جنگی در قضیه‌ی یکی از عملیات که پیروزی‌ای به دست رزمندگان آمده بود، یک پیامی دادند. در آن پیام این نکته وجود داشت که فتح الفتوح انقلاب اسلامی، تربیت این جوانهاست. همه توقع داشتند که امام بگوید این پیروزی‌ای که شما به دست آوردید، فتح الفتوح است؛ از آن پیروزی ستایش کند؛ امام نه، از رزمندگان تشکر کردند. اما گفتند فتح الفتوح انقلاب ما تربیت این جوانهاست؛ که در آن شرائط دشواری که همه‌ی دنیا در مقابل ما با چهره‌ی دژم و سلاح آماده‌ی شلیک ایستاده بودند، اینها توانستند یک چنین پیروزی بزرگی را به دست آورند؛ ..... پیشرفت واقعی این است که جوانهای ما، نخبگان ما نسبت به آینده احساس مسئولیت کنند؛ برای خودشان دیدگاه تعریف کنند؛ برای کشور آینده‌ای را تصویر کنند و مجسم کنند و احساس کنند و این احساس را اظهار کنند؛ که آماده‌اند برای رسیدن به این آینده، تلاش کنند. (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در ششمین همایش ملی نخبگان جوان، ۱۳۹۱/۷/۱۲)

اگر جامعه‌ای بخواهد نظام اقتصادی، صنعتی، سیاسی و اجتماعی خویش را دگرگون سازد و آن را با مقتضیات و نیازمندی‌های جدید همساز نماید، ناچار است که سیاست جامعی در توسعه نیروی انسانی داشته باشد، و این میسر نیست مگر اینکه از نظام تعلیم و تربیت به ویژه آموزش و پرورش متوقع بودرهبر انقلاب می‌فرماید

اگر جمهوری اسلامی می‌خواهد پرچم اسلام را در دست بگیرد، می‌خواهد خودش به سعادت برسد، دنیا و آخرت خود را آباد کند همچنان که قرآن به ما یاد میدهد که میتوان دنیا و آخرت را با هم آباد کرد و باید این کار انجام بگیرد... باید انسانهای

شریف، دانا، با استعدادهای جوشان، دارای ابتکار، دارای اخلاق نیک انسانی، دارای شجاعت، قوت خطرپذیری، ورود در میدانهای جدید، بدون هیچگونه عقده‌ی خودکم‌بینی یا خودبرتربینی، انسانهای دلداده‌ی به خدای متعال و متکی به قدرت الهی و دارای توکل کامل، انسانهای صبور، انسانهای بردبار و حلیم، انسانهای خوشبین و انسانهای امیدوار تربیت کنید. اسلام همه‌ی اینها را به صورت بسته‌ی کامل در اختیار همه‌ی معتقدین و مؤمنین خود قرار داده. این بسته را باز کنیم، دانه‌دانه از این مواد استفاده کنیم، بهره‌مند شویم، آنها را بچشیم و درون وجود خودمان ذخیره کنیم. خروجی آموزش و پرورش باید اینجور انسانی باشد. (بیانات در دیدار جمعی از معلمان سراسر کشور، ۱۴/۰۲/۱۳۹۰)

### مدرسه

در میان این نهاد وسیع آموزشی، «مدرسه» اولین محیطی است که انسان بطور معمول در آن پای می‌گذارد و شخصیتش رشد پیدا می‌کند؛ به تعبیر دیگر، بعد از خانواده، اولین پله ترقی جسمی و عاطفی و روحی فرزند در این جایگاه ریخته می‌شود. از این رو، رهبر انقلاب به معلمین چنین سفارش می‌کند:

در مدارس با محبت و بزرگواری و گذشت، لمس‌کننده ارزش‌های موجود در افراد باشید و جوهر الهی را در افراد، کشف و با جذب و رشد دادن به تربیتشان، آنها را به نمو اسلامی تربیت کنید. (دیدار با روحانیون اعزام مبلغ حزب جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۴/۱)

عالم باید علم خود را به دیگران بیاموزد، زیرا علم رزقی است که خداوند بدو عطا کرده و از او انفاق آن را خواسته است. از میان تمامی عوامل آموزشی و تربیتی، نقش معلم به‌عنوان مهم‌ترین عامل نظام تعلیم و تربیت، جایگاه و اهمیت بسزایی دارد. معلم در رشد و پرورش دانش‌آموزان، نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند. تمامی فعالیت‌های معلم، مانند شناخت فرآیند رشد کودکان و نوجوانان، شیوه‌های تدریس و علاقه‌مندی به رشته تدریس خود، از عواملی هستند که در آموزش و پرورش دانش‌آموزان، دخالت زیادی دارند. رهبر انقلاب می‌فرماید:

شما معلمان از این مسئله غفلت نکنید که تربیت کردن هم جزو کار شماست؛ و چه

بهتر که با نفوذ معلمی؛ با تأثیر روحی معلم بر متعلم استفاده کنید و یک نقطه ی روشن و نورانی ای در قلب دانش آموز باقی بگذارید. (بیانات در دیدار معلمان استان فارس، ۱۳۸۷/۰۲/۱۲)

### دانشگاه از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام

از دیدگاه مقام معظم رهبری دانشگاه دارای اهمیت والایی است و خدمات ارزنده ای در شکل گیری انقلاب اسلامی داشته است. ایشان می فرمایند:

من ارزش دانشگاه را برای کشور با همه وجود حس می کنم. دانشگاه نقطه اوج خدماتی را که می تواند به یک کشور ارائه شود، تأمین می کند. دانشگاه برای کشور، بسیار مهم است. دانشگاه خدمات بزرگی به انقلاب کرده است. از سال ۴۲ که نهضت اسلامی به میدان آمد، دانشگاه جزو اولین جاهایی بود که تجاوب کرد. البته آن روز فضای دانشگاه، فضای کاملاً نامطلوبی بود؛ اما عناصر دانشگاهی، از استاد و دانشجو، به صورت تک و در اقلیت مطلق، از فضا نهراسیدند و پاسخ دادند، در طول دوران مبارزه، از سال ۴۲ تا ۵۷ - پانزده سال - یکی از عناصر صفوف مقدم، دانشگاه بود که بنده از نزدیک شاهد آن فعالیت بودم... در آن دوران، ما دانشگاه را از نزدیک دیدیم. وقتی که نهضت به دور افتاد، دانشگاه به تدریج گداخته شد؛ تا این که سال آخر، حضور دانشگاه بسیاری از محیط های دیگر را تحت تأثیر و تحت الشعاع قرار داد. انقلاب هم که پیروز شد، جزو اولین کسانی که در قدم های اول پیروزی انقلاب، نقش های بسیار مؤثری را برعهده گرفتند، عناصری از دانشگاهیان بودند که ... در جاهایی که نه نام، نه نان و نه شهرت کاذب مطرح بود، فقط مجاهدت خالصانه و مخلصانه دیده می شد. بعد هم در دوران جنگ، سه هزار شهید دانشجو تقدیم انقلاب و اسلام شد (دیدار با شرکت کنندگان اردوی سازمان بسیج دانشجویی، ۱۳۷۹/۶/۱۴)

### مدیریت دانشگاه

مهم ترین بخش های دانشگاه که مقام معظم رهبری روی آن حساسیت فوق العاده دارند،



مدیریت دانشگاه‌ها می‌باشد. ایشان درباره مدیریت دانشگاه می‌فرمایند:

محیط دانشگاه، باید محیط دینی باشد؛ باید این را تأمین کنیم و این نمی‌شود، مگر اینکه شما که رؤسا و مسئولان دستگاه‌های دانشگاهی کشور هستید - بیش از همه، آقای وزیر و معاونان ایشان و بعد هم رؤسای دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها - صددرد با تعصب دینی و انقلابی و پابندی شدید و اصرار بر این که باید دین حاکمیت پیدا کند و چتری بر زندگی محیط دانشگاه بزند، این هدف را تعقیب کنید. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمع کثیری از طلاب و دانشجویان، ۱۳۶۹/۹/۲۸)

برای داشتن دانشگاه اسلامی، در درجه اول مدیریت دانشگاه باید اسلامی باشد و اولین ویژگی رئیس دانشگاه قبل از هر چیز اسلامی بودن و سالم بودن وی می‌باشد. علت این که معظم له این قدر پافشاری بر دینی و انقلابی بودن رأس و مدیریت دانشگاه دارند، این است که چنانچه سستی در ارکان یک سیستم ایجاد شود، این سستی در لایه‌های پایین به نسبت بیشتری دیده می‌شود که نشان از الگوپذیری افراد از مسئول بالاتر دارد. ایشان در جای دیگر، علاوه بر دینی بودن، انقلابی و اسلامی بودن رؤسای دانشگاه، بر علمی بودن آن‌ها پافشاری می‌کنند و می‌فرمایند:

من یک وقت در چند سال قبل از این حرفی زدم که بعضی‌ها هم جنجال کردند. گفتم که ریاست دانشگاه‌ها باید ریاست علمی باشد - الان هم اعتقاد همین است - یعنی آن کسی که در رأس دانشگاه‌هاست، باید از لحاظ علمی هم طوری باشد که کسانی که آن جا هستند، این فرد را به عنوان رئیس قبول داشته باشند؛ اما علم با عمل، علم با اعتقاد، طوری نباشد که آدم بی‌اعتقادی که می‌خواهد سر به تن این نظام نباشد، اصلاً اعتقادی به اسلام ندارد، یا اسلام را مسخره می‌کند، یا حزب اللهی را مسخره می‌کند، یا دانشجوی مؤمن را مسخره می‌کند، این شخص در رأس کارها بیاید. (همان)

کسی که دارای تعهد به نظام و انقلاب و دین نباشد، وقتی در رأس دانشگاه قرار گیرد، معمولاً کادر خود را نیز از افرادی انتخاب می‌کند که با وی هم نظر باشند. این امر موجب می‌شود سایر گزینش‌ها و اهداف نیز تحت الشعاع قرار گیرد و چنانچه مدیر اسلامی نباشد، از هدف اصلی اسلامی بودن نیز فاصله می‌گیرد. در عین حال رئیس دانشگاه می‌بایست شخص عالمی

باشد؛ کسی که با سختی‌ها و مسائل علم آشنا نباشد، نمی‌تواند فضای علمی را خوب رصد کند و ناچار است وابسته به زیرمجموعه باشد و زیرمجموعه نیز شأن بایسته‌ای را برای وی قائل نخواهند بود.

### هدف دانشگاه

معظم له هدف دانشگاه را تربیت دانشجو بیان نموده‌اند؛ به گونه‌ای که استاد و تحقیق و آزمایشگاه را وسیله‌ای در خدمت رشد دانشجو می‌دانند. به عنوان مثال تحقیق در محیط دانشگاه را وسیله رشد دانشجو جهت کسب صلاحیت کاری که بر عهده یک نیروی انسانی عالم و کارآمد است، می‌دانند و این را فلسفه دانشگاه ارزیابی می‌کنند. با توجه به رسالت دانشگاه، ایشان دو عنصر اصلی را در تربیت دانشجو بر می‌شمرند که هیچ کدام بایستی مغفول عنه بماند: یکی عنصر علم و تحقیق و کارایی علمی و جوشیدن استعدادهاى علمی؛ یکی هم روحیه‌ی تدین و حرکت صحیح و سالم سازی معنوی و روحی دانشجو. این دو عنصر در دانشگاه‌ها بایستی بدون تفکیک از یکدیگر و با قدرت تعقیب شوند. (دیدار با شرکت کنندگان اردوی سازمان بسیج دانشجویی، ۱۳۷۹/۶/۱۴) مقام معظم رهبری یکی از خصوصیات جمهوری اسلامی را در این می‌بیند که دانشگاه به عنوان دستگاه انسان سازی جامعه، بایستی صحیح حرکت کند و انسان متناسب با هدف‌های جمهوری اسلامی بسازد. آرمان‌های مقدس ملت و به خصوص مسلمین آن قدر مهم هستند که به نظر ایشان اگر هدف فقط ساختن انسان عالم منهای آرمان‌های مقدس باشد، بهتر است که دانشجویان را گروه گروه به کشورهایی که دستگاه‌های علمی‌شان مجهزتر و مدرن‌تر است، روانه کنیم؛ تا بروند، یاد بگیرند و بیایند! لذا بر این اساس دانشگاه بایستی، دین و روحیه‌ی انقلابی و به خصوص بیزاری از وابستگی ملی را مورد توجه قرار دهد. (همان)

در نظر مقام معظم رهبری، دانشگاه محل تفکر و بینش صحیح و هدایت معنوی است. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمع کثیری از طلاب و دانشجویان، ۱۳۶۹/۹/۲۸) به نظر رهبر انقلاب، دانشگاه مطلوب انقلاب، دانشگاه اسلامی است. (همان) مقام معظم رهبری اصالت

دادن به اسلام در امر مدیریت دانشگاه‌ها را نکته مهم و کارآمد دانسته و می‌فرماید: (باید) مدیر و دانشجویان و استادان، اصالت را به اسلام بدهند. ... ارزش‌های اسلامی در دانشگاه باید مورد مسابقه قرار گیرد. برای رسیدن به چنین مطلوبی، اجرای موارد ذیل لازم است:

۱. تحقیق در مبانی فکری اسلامی و آموختن آن از متخصصان دین شناس؛
۲. پی‌ریزی یک نظام علمی- آموزشی با استخراج و تصفیه مود اولیه از منابع سرشار فرهنگ اسلامی و نیز با جذب مواد مناسب از دانش و فرهنگ پیشرفته دیگران؛
۳. تلاش و مجاهدت در راه تزکیه اخلاقی و رشد عنصر انسانیت در کنار تخصص‌ها و دانش‌ها؛

۴. مبارزه با جریان‌های فکری و سیاسی منحرف و ابسته به سلطه بیگانه؛

۵. کوشش در پیوند قشرهای پیشرو علی‌الخصوص قشرهای روحانی و دانشجو. (همان)

### اساتید دانشگاه

استاد نیز در نگاه مقام معظم رهبری، از جایگاه خاص برخوردار است. بنا به فرمایش ایشان استاد در دانشگاه، عهده‌دار تعلیم عقیده به دانشجویان و به عبارتی تربیت آنان می‌باشد و دانشجو در محیط دانشگاه بیش از هر کس دیگری با اساتید دادوستد فکری و عملی دارد. بنابراین، مهم‌ترین امر در دانشگاه یعنی تربیت دانشجویان و پرورش نیروهای متخصص و متعهد برای نظام، مرهون اندیشه و علم و عمل اساتید می‌باشد. ایشان تأکید بسیار بر تعهد، تدین و تخصص به خصوص در مورد اساتید علوم انسانی دارند و آن‌ها را از وابستگی فکری به اندیشه‌های غربی برحذر می‌دارند و این امر را بت پرستی علمی می‌خوانند. لذا بر استقلال اندیشه و تولید علم متناسب با نیاز جامعه و براساس مبانی اسلام بسیار تأکید دارند و می‌فرمایند:

اساتیدی هستند که فرآورده‌های اندیشه‌های غربی در علوم انسانی، بت آنهاست. در مقابل خدا می‌گویند سجده نکنید؛ اما در مقابل بت‌ها به راحتی سجده می‌کنند؛ دانشجوی جوان را دست او بدهی، بافت و ساخت فکری او را همان طوری که متناسب با آن بت خود او است، می‌سازد؛ این ارزشی ندارد و درست نیست. بنده به این طور

افراد، هیچ اعتقادی ندارم. این استاد هر چه هم دانشمند باشد، وجودش نافع نیست، مضر است. امروز خوشبختانه ما دانشمندان جوان مؤمن و تحصیل کرده‌های با ایمان داریم که می‌توانند یک حرکت علمی فراگیر و به معنای واقعی کلمه، در عرصه‌ی علوم انسانی به وجود آورند؛ از این‌ها باید استفاده بشود. مواظب باشید دچار آن بت پرستی نشوید؛ آن کسی که در فلسفه، اقتصاد، علوم ارتباطات و سیاست، همان حرفی که از دهن یک متفکر غربی درآمده، آن را حجت می‌داند - حالا گاهی اوقات آن حرف هم در خود غرب نسخ شده! از این نمونه‌ها ما زیاد هم داریم. یکی مطلبی را چهل پنجاه سال پیش، یک فیلسوف اجتماعی یا سیاسی در غرب گفته و بعد آمدند ده تا نقد بر آن نوشته‌اند؛ این آقا تازه به حرف آن پنجاه سال قبل دست یافته و به عنوان حرف نو، به داخل کشور می‌آورد و با به به و چه چه آن را به خورد دانشجو و شاگرد و محیط خودش می‌دهد؛ از این قبیل هم داریم. چقدر براساس همین نظرات اقتصادی غربی، بانک جهانی و مجامع پولی و مالی جهانی به ملت‌ها و دولت‌ها برنامه‌ها دادند و چقدر از طرف خود غربی‌ها علیه آن‌ها موارد نقض نوشته شده! باز هم کسانی را داریم که همان توصیه‌ها را می‌آیند عیناً تکرار می‌کنند و عیناً همان نسخه‌ها را می‌نویسند - این غلط است. تحقیق علمی فقط به معنای فراگیری و تقلید نیست؛ تحقیق، ضد تقلید است. این کار، کار شما است». از نظر ایشان استاد علاوه بر تعلیم و تولید علم، وظایف دیگری نیز دارد و از جمله مواردی که می‌توان از بیانات ایشان احصا نمود: امید دادن به دانشجو، هدایت فکری دانشجو، دادن اعتماد به نفس ملی به دانشجو (همان) مراقبت از آشفته نکردن فضای دانشگاه توسط مغرضان، (بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۸/۴/۲۳) کمک در جهت جبران عقب افتادگی‌های پیشین، تلاش و مجاهدت ایجاد تعصب ملی در دانشجو، (داشتن شجاعت علمی، پاسخ به شبهات دانشجو می‌باشند.

### ج. حوزه علمیه

حوزه‌های علمیه به عنوان اصلی‌ترین نهاد تبیین و آموزش معارف و آموزه‌های دینی به افراد جامعه، در عصر غیبت امام زمان (عج) با محوریت تربیت طلاب منتظر و بسترسازی برای

ظهور امام زمان رسالت‌های سنگین به دوش داشته و در طول تاریخ فعالیت‌های خود همواره سربلند و موفق بوده است. این نهاد با محوریت تعلیم و تربیت اسلامی، رسالت آموزش و پرورش انسان‌هایی را به عهده دارد که افق‌ها، نگرش‌ها و اعمال و رفتار خود را در فضای خلیفه الهی ترسیم می‌کنند. رسالت‌های اساسی حوزه‌های علمیه را می‌توان در سه محور: ۱. اقتداء ۲. وراثت ۳. نیابت عامه از سوی امام زمان (عج) خلاصه نمود. عناوینی که تمام مسئولیت تبیین و جهت‌دهی اموردین و دنیای افراد جامعه را بردوش علمای دین نهاده و از آنها می‌خواهد در عصر غیبت امام زمان با بهره‌گیری از سلاح علم و تقوا، ضمن شفاف‌سازی ابعاد مختلف شریعت، پاسخگوی سوالات و شبهات مطرح شده در جامعه دینی بوده و مانع از ورود انحرافات و کج‌روی‌ها به فضای عقاید و اعمال افراد این جامعه گردند. رسالت‌های پیش‌گفته اصولاً در سه بستر اساسی قابلیت اجرایی شدن پیدا می‌کنند: بستر آموزش، بستر تهذیب و بستر تبلیغ.

تبلیغ دین و ارائه الگوی مناسب به مردم در جهت کیفیت بخشیدن حرکت به سوی اهداف بزرگ، از برترین و شریف‌ترین فنون محسوب می‌گردد؛ چنانکه مقام معظم رهبری می‌فرماید: منبر رفتن و سخن گفتن در امر دین، جزو شریف‌ترین کارهاست و باید و شاید که شریف‌ترین انسان‌ها و عالم‌ترین و آگاه‌ترین آنها به مسائل اسلامی و عامل‌ترین آنها به احکام شرعی در این راه قدم بردارند و آن را برای خود افتخاری بدانند ... افرادی مثل شیخ جعفر شوشتری. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با روحانیون و وعاظ، ۱۳۶۹/۱۲/۲۲)

روحانیت به عنوان منادی اسلام، دارای امتیازاتی است مانند: عشق به علم، اخلاص برای خدا، دلسوزی برای مردم، بی‌اعتنایی به دنیا، نرسیدن از قدرت‌ها و قلدرها و زورمدارها، و وابسته نبودن به ارباب قدرت. (دیدار با روحانیون اعزام مبلغ حزب جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۴/۱) پس برنامه حوزه علمیه باید در جهت رشد مبلغانی باشد که اهل علم و تزکیه‌اند تا به گونه‌ای شایسته‌تر به تهذیب و گسترش معارف اسلامی در جامعه بپردازند؛ چرا که تا کلام از دل بر نیاید تا عمق جان‌ها راه نمی‌یابد. برای تعلیم باید عالم بود و برای تزکیه، مزگی. مقام معظم رهبری در این مورد می‌فرماید: مبلّغ اگر خودش مهذب و پاک نباشد، نمی‌تواند دیگران را پاک

کند. اگر به معنای واقعی کلمه، به آنچه انسان می‌گوید، معتقد و عامل نباشد، حرفش اثری ندارد. (همان)

#### د. صدا و سیما

صدا و سیما رایج‌ترین و پربردترین وسیله برای انتقال پیامهاست که همانند معلم، آموزش سطح وسیعی از جامعه را برعهده دارد. مقام معظم رهبری در مورد وظیفه صدا و سیما فرمود: صدا و سیما، مسئولیت آموزش عمومی و ایجاد رشد فرهنگی و سیاسی و تبیین مبانی اسلام و مقابله با توطئه‌های تبلیغاتی دشمن را با بهره‌گیری از هنر اصیل و سالم برعهده دارد. (حکم انتصاب آقای دعاگو به سمت رئیس شورای سیاست‌گذاری صدا و سیما، ۱۳۶۸/۶/۲۱) مقام معظم رهبری چهار اصل را به عنوان اصول همیشگی حاکم بر برنامه‌ریزی صدا و سیما مطرح می‌کند که باید مورد توجه مدیران و کارکنان قرار گیرد. آن چهار اصل عبارتند از: پیام، هنر، انتخاب زبان و موضوع متناسب، و تهی بودن از هر بدآموزی. (همان)

تبیین نگاه ایشان به موضوع را می‌توان در این جملات یافت که فرمود:

مراد ما از تعلیم در صدا و سیما، سخنرانی و میزگرد و تدریس صرف نیست. صدا و سیما باید انواع و اقسام روش‌های هنری را در برنامه‌های هنری، فیلم‌ها، نمایش‌ها برای تفهیم و توضیح مفاهیم و ارزش‌های اسلامی بکار گیرد. (همان)

در این روش، پیام‌ها به صورتی هنرمندانه و با شیوه غیرمستقیم مبلغ اهداف انقلاب و اسلام قرار می‌گیرد. ایشان در مورد اسلامی بودن یک فیلم دو ملاک را طرح می‌کند:

اول، اینکه فیلم دارای ارزش‌های اسلامی باشد مثل اینکه در پی تعلیم مفاهیم راستی و درستکاری و شجاعت و مقاومت یا در پی تعلیم نماز باشد. دوم، اینکه فیلم با نمودهای غیر اسلامی همراه نباشد مثل اینکه بازیگر در صحنه فیلم با وضعی جلف و نامناسب در حال نماز خواندن ظاهر نشود که این حالت، یک ضد ارزش را به ذهن بیننده تداعی می‌کند. (دیدار با مسئولان آموزش و پرورش کشور، ۱۳۶۳/۵/۲۵)

به عبارتی دیگر باید محتوای آموزنده و جهت‌دهنده روح و فکر مخاطب در قالب و شکلی

متناسب با اهمیت موضوع، طرح گردد.

بر این اساس، رهبر انقلاب رسانه ایده‌آل را چنین تعریف می‌کند:

آنچه در مورد این رسانه مهم، مطلوب و ایده‌آل است، عبارت از این است که دانشگاهی باشد که در آن عالی‌ترین و زیباترین مفاهیم انقلاب، به شکل هنرمندانه ارائه بشود و جاذبه داشته باشد. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان صدا و سیما، ۱۳۶۹/۵/۷)

## نتیجه

تعلیم و تربیت از سیاست‌های بنیادین اسلام و از اهداف زیربنایی بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله است. از دیدگاه مقام معظم رهبری، تربیت یعنی شکوفایی استعدادها، و این، معنای وسیعی را دربرمی‌گیرد که شامل بروز سلامت جسمی، فکری، علمی و اخلاقی انسانی است که قصد شده تا در مسیر کمال، رشد و نمو داده شود. یعنی اهداف تربیتی دارای گستردگی خاصی است که همه استعدادها و بشری از جمله تربیت اخلاقی و رشد معنوی را شامل می‌شود. ایشان در جای دیگری می‌فرماید: فرمود: اسلام معتقد است که انسان باید جسم و روح خود را با هم پرورش دهد و پرورش جسم مقدمه‌ای برای پرورش روح است. این مقدمه بودن به معنای تقدم زمانی نیست بلکه... تربیت جسمانی و معنوی هر دو با هم و در کنار هم و به موازات هم هستند.

عوامل مهمی را که غالباً «علمای تعلیم و تربیت» به عنوان عوامل مؤثر در تربیت مطرح می‌کنند، دو عامل «وراثت» و «محیط» است. از نظر اسلام، «اراده» نقش عمده‌ای را در تربیت انسان ایفا می‌کند و اساس مباحث «خودسازی» و «اخلاق»، «اراده» است، چرا که به کمک «اراده» است که انسان به اصلاح نفس خویش اقدام می‌کند و اگر جهت‌گیری او فقط مبتنی بر دو عامل وراثت و محیط بود، «خودسازی» مفهومی نداشت. همچنین بنابر اعتقاد اسلامی، «عوامل ماوراء الطبیعه» در زندگی انسان نقش مؤثری دارند. مهم‌ترین این عوامل عبارتند از: الف) عوامل انسانی ب) عوامل غیر انسانی

در عوامل انسانی علاوه بر پدر و مادر، که نقش مؤثر و مستقیم در تربیت فرزند دارند افراد

زیر هم در تربیت مثبت یا منفی مؤثرند. برادران و خواهران، خویشان، دوستان، مدیران، معلمان و اعضای مدرسه، رهبران، امام جماعت و خادم مسجد و دیگر افراد جامعه.

عوامل غیر انسانی که در تربیت کودکان مؤثر می‌باشد عبارت است از: عامل فیزیولوژیکی (وراثت)، عامل جغرافیایی، عامل اجتماعی، عامل غذای، عامل روانی، عامل عاطفی، عامل فرهنگی و عامل مذهبی.

نهادهای مؤثر تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری عَلَيْهِ السَّلَام خانواده، آموزش و پرورش، مدرسه، دانشگاه، حوزه علمیه و صدا و سیما می‌باشد.

خانواده، هسته نخستین جامعه و از عوامل اصلی انتقال فرهنگ، اندیشه، اخلاق و سنت‌ها و عواطف به نسلی پس از نسل دیگر است. در میان اعضای خانواده بیشترین سهم تأثیرگذاری بر فرزند از آن مادران است.

استعمارگران می‌کوشند تا در هر کشور به سرچشمه‌های اصلی تعلیم و تربیت آن کشور تسلط پیداکنند و باصطلاح می‌کوشند تا آب را از سرچشمه گل آلود کنند. آنان سعی می‌کنند با تاسیس دبستانها، دبیرستانها، دانشگاه‌ها و مراکز تربیت معلم، نسلی تربیت کنند تا آنطور فکر کند که استعمارگران می‌خواهند و در نتیجه آن طور عمل کند که منافع استعمارگران تامین شود.

«مدرسه» اولین محیطی است که انسان بطور معمول در آن پای می‌گذارد و شخصیتش رشد پیدا می‌کند. رهبر معظم انقلاب به معلمین چنین سفارش می‌کند: در مدارس با محبت و بزرگواری و گذشت، لمس‌کننده ارزش‌های موجود در افراد باشید و جوهر الهی را در افراد، کشف و با جذب و رشد دادن به تربیتشان، آنها را به نمو اسلامی تربیت کنید.

مهم‌ترین بخش‌های دانشگاه که مقام معظم رهبری روی آن حساسیت فوق‌العاده دارند، مدیریت دانشگاه‌ها می‌باشد. محیط دانشگاه، باید محیط دینی باشد. رهبر معظم انقلاب هدف دانشگاه را تربیت دانشجو بیان نموده‌اند؛ به گونه‌ای که استاد و تحقیق و آزمایشگاه را وسیله‌ای در خدمت رشد دانشجو می‌دانند. ایشان دو عنصر اصلی را در تربیت دانشجو بر می‌شمرند که هیچ کدام نایستی مغفول<sup>۱</sup> عنه بماند: یکی عنصر علم و تحقیق و کارایی علمی و جوشیدن



استعدادهای علمی؛ یکی هم روحیه‌ی تدین و حرکت صحیح و سالم سازی معنوی و روحی دانشجویان.

حوزه‌های علمیه به عنوان اصلی‌ترین نهاد تبیین و آموزش معارف و آموزه‌های دینی به افراد جامعه، در عصر غیبت امام زمان علیه السلام با محوریت تربیت طلاب منتظر و بسترسازی برای ظهور امام زمان رسالت‌های سنگین به دوش داشته و در طول تاریخ فعالیت‌های خود همواره سر بلند و موفق بوده است

صدا و سیما رایج‌ترین و پربردترین وسیله برای انتقال پیامهاست که همانند معلم، آموزش سطح وسیعی از جامعه را برعهده دارد. مقام معظم رهبری در مورد وظیفه صدا و سیما می‌فرماید: صدا و سیما، مسئولیت آموزش عمومی و ایجاد رشد فرهنگی و سیاسی و تبیین مبانی اسلام و مقابله با توطئه‌های تبلیغاتی دشمن را با بهره‌گیری از هنر اصیل و سالم برعهده دارد.

## کتابنامه

- ابن فارس، احمد بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، اول، ۱۴۰۴ ق.
- ابن منظور، ابی الفضل جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ اول، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- اعرافی و موسوی، فقه تربیتی مبانی و پیش فرض ها، موسسه اشراق و عرفان، قم، ۱۳۹۱.
- بانکی پورفرد امیرحسین، احمد قماشچی، تعلیم و تربیت از دیگاه مقام معظم رهبری، ناشر تربیت اسلامی، ۱۳۸۵.
- تمیمی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ۱۳۶۶ ش حاجی ده‌آبادی، محمدعلی، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۷.
- حسینی زاده، سید علی، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام، خامنه ای، سید علی، دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای. [www.farsi.khamenei.ir](http://www.farsi.khamenei.ir)
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
- راغب اصفهانی، حسین، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، چاپ اول، بیروت، دارالعلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
- زبیدی، سید محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر، اول، ۱۴۱۴ ق.
- صانعی، سیدمهدی، پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، مشهد، سناباد، ۱۳۷۸.
- صدوق، محمد بن علی ابن بابویه (شیخ صدوق)، من لایحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
- طباطبایی، محمدحسین، نهایت الحکمه، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۴.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم: انتشارات هجرت، ۱۴۱۰ ق،
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق.

اهداف، عوامل و نهادهای مؤثر تعلیم و تربیت از دیدگاه رهبر انقلاب امام خامنه‌ای علیه السلام □ ۴۳

---

کریمی، عبدالعظیم، آموزش به مثابه پرورش، تهران، وزارت آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۸۱.

گروه علوم تربیتی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، مجموعه مقالات تربیتی،

مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴.

مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸۰ش.

